

یادداشت روزانه (نمره بیست و دوم)



امیرجوهری لنگرودی

amir_772@hotmail.com

در سالروز کشتار ۲۴ آبان ۹۸، درست ۶۰ روز از جنبش سراسری انقلابی مردم فزاینده مردمان ایران از شهری به شهری و از استانی به استان دیگر در حال گسترش و گذار و مدام با شکل های نوینی باز تکثیر می شود!

آنچه در بین مردم و شبکه های مجازی جای افتاده و همگانی شده، این است که جنبش را سرباز ایستادن نیست! در این مدت صدها تن کودک، نوجوان، جوان و بزرگسال با گلوله های ساچمه ای و جنگی و یا با ضربات باتوم نیروهای سرکوبگر اعم از لباس شخصی ها- قوای ویژه سپاه و بسیج در اینجا و آنجا به قتل رسیده اند که بیش از ۵۰ تن از آنان از کودکان و نوجوانان زیر ۱۷ سال بوده اند. طی این مدت هزاران نفر نیز زخمی و بازداشت شده و هم اکنون زیر شدیدترین و ضد انسانی ترین شکنجه های جسمی و روحی قرار دارند.

با گذشت دو ماه از پیشروی جنبش، مردم به جان آمده، ثابت کرده اند که نهایت ددمنشی و جنایات سرکوبگران نتوانسته است خللی در عزم راسخشان برای رسیدن به خواست هایشان که نه گفتن به دیکتاتور حاکم است، ایجاد کند.

شعار عمومی "هر یک نفر کشته شه/ هزار نفر پیشتر شه" امروز به عزم راسخ یک واقعیت روشن در چشم انداز رویارویی مبارزات مردم با رژیم خود را نشان داده است. حضورده ها هزار نفری مردم در مراسم چهلم های جانفشانان راه آزادی، معتبرترین گواه بر این ادعاست که مردم دیگر با سرکوب و کشتن و اعدام کردن توسط حکومت، پا پس نمی نهند و دچار ترس و عقب نشینی نمی شوند. می توان گفت: جنبش انقلابی مردم ایران برای آزادی به پیش می رود و اکنون بیشتر عرصه های جامعه از جمله محلات شهرها، مجتمع های مسکونی شهرهای بزرگ، دانشگاهها، مدارس، کارخانه ها، شهرک های صنعتی، که با همگامی بخش هایی از بسته شدن بازار همراه شده نشانه این ماندگاری مبارزه است. از همین روی با افزایش دستگیری ها، برخلاف اطاق های فکر نخود مغزان حاکمیت، زندان های ایران به سنگر آگاهی رسانی و مبارزه با حکومت پیشا تاریخی اسلامی تبدیل شده است.

سردادن شعارهای شبانه در مجتمع های تهران بزرگ، می توان به نمونه بارزی که در دوشنبه شب تاریخ ۹ آبان ۱۴۰۱ در مجتمع اکباتان رخ داد، توجه ویژه داشت. در این شب یگان های ویژه سرکوب ضمن تیراندازی، پرتاب گاز اشک آور، بمب صوتی، لیزر، شکستن شیشه ها و تخریب ورودی بلوک ها، و دستگیری این و آن از مجتمع مسکونی، برای هراس افکنی، فردی که به احتمال زیاد فرمانده مهاجمان بود با بلندگو و بیان رکیک ترین و کثیف ترین توهین ها و فحاشی ها به ساکنان مجتمع، که از داخل خانه های خود شعار می دادند، ضمن تهاجم به مردم اینگونه گفت: «۴۰ تا کشور به سوریه آمدند اما هیچ غلطی

نتوانستند بکنند. گفتند ایران جلومان ایستاده است. برای مملکت خودمان جانمان و خونمان را هم میدهیم. به والله قسم اگر پاش برسه سرناموس و زن و بچه‌های خودمان راهم می‌بریم، اما نمی‌گذاریم به این مملکت آسیبی برسد.» یگانه چیزی که می‌توان از بیان این فرمانده ترسو و بزدل برداشت کرد، اینستکه؛ سخنان اش نه از سربیان قدرت که ناشی از هراسی استکه خشم مردمان در دل اینان افکنده اند. باید به این فرمانده نادان و فرمانده درمانده و سردمداران سرکوبگرش فهماند؛ که ایران سوریه نیست که مورد تجاوز قوای سرکوبگر بیگانه قرار گرفته باشد.

چشم بازکن و به قولی بنگر که ز خشم خفته خلق، از گربه پلنگ سربر آورد!

فرمانده ابله؛ مردمان جامعه ما در جای جای کشور، با دست خالی، بی سلاح، بی دفاع، که با سازماندهی ویژه ای که جهان از فهم آن عاجز مانده، چه رسد به شما مانده در گل مردابید، و بی شک و شبهه چیزی از عمر حکومت جهل و جنون تان باقی نمانده است. با یک نگاه فشرده و دقیق می‌توان دریافت که خلاصه شدن تمام بوروکراسی حاکمیت اسلامی در ماشین سرکوب برای کشتار مخالفان در خیابان‌ها، ربودن شان از خانه‌ها و محیط‌های کارشان، مصداق بارز زبونی حکومتی است که برای حفظ خود چاره‌ای جز هراس‌افکنی از طریق کشتار و بازداشت‌های فله‌ای ندارد. این جنبش هر روز با ابتکارهای تازه و بدیع و بی‌بدیل به میدان می‌آید و پهنه میدان مبارزه را درمی‌نوردد و به تسخیر خود درمی‌آورد. این پیشروی هر دم فزاینده، هشیاری فزون تری را، از جانب نیروها در آوردگاه مبارزه می‌طلبد؛ زیرا که رژیم برای به انحراف کشاندن سمت درست مبارزه در اطاق فکرهای امنیتی خود با بکارگیری شگردهای سوخته و بی‌معنی در برابر زایش انقلاب مردم از کران تا به کران دست به ترفند های میزنند که روسیاهی را با زغال برابر می‌نهد. نمونه ای از این شگردهای زشت و پلید و پلشت، بکارگیری پرستوهای دست پرورده نیروهای امنیتی با لباس‌های جلف و آرایش زننده، بدون کمترین گزندی از جانب چماقداران بسیج به آنان، روانه متروها و بازارچه‌ها و مجتمع‌های تجاری می‌نمایند، که خوشبختانه با بی‌توجهی آگاهانه مردم مواجهه می‌شوند و تا به امروز نتوانستند، فضای گرم آغوش مهریانی که دخترکان جامعه ما آفرینند را زیر سؤال ببرند، زهی خیال باطل! ترفند دیگر، فرستادن گماشتگان حکومتی به بهانه گفتگو برای فریب دانشجویان و ایجاد انحراف و دو دستگی در میان آنان، در استمرار پیشروی مبارزات دانشجویان بارها وعده کرده‌اند: حاضرند صدای معترضین را بشنوند و میکروفون در اختیار هر مخالفی بگذارند، این حرکت مزبوحانه و از سراسر اتصال نیز با همبستگی و هماوایی و درایت دانشجویان نقش بر آب شد. روزهای گذشته در خبرها آمد که در آستانه برپایی نماز جمعه و حمایت سراسری مردم ایران از مبارزات مردم بلوچ و جان باختن "خدا نور لجه ای" با گلوله دشمن، رژیم با بردن نیروهای لباس شخصی و سرکوبگر ضد شورش و بسیجی را با لباس بلوچی و مسلح به میان راهپیمایان به خیال خود می‌خواست که با تفرقه افکنی بین شیعه و سنی، از انسجام و همبستگی مردم بکاهد اما با هشیاری مردم بلوچ، این توطئه شیادانه و سوخته، ره به جایی نبرد و مانند همیشه تیرش به سنگ خورد و ناکام ماند. در پی آیند این طرح، رژیم دست به حيله گری مشابه ای در کردستان زد، آنها با آوردن نیروهای امنیتی، با ساز و کار لباس احزاب کردی در کردستان ظاهر شوند تا بهانه ای برای سرکوب مردم ستم دیده کرد داشته باشند. احزاب کرد یکی پس از دیگری سریع جنبیدند و اعلان داشتند: مردم آگاه باشید این اشخاص هیچ ارتباطی با احزاب و گروههای کردی ندارند بلکه خود ماموران امنیتی سپاه - بسیج و جاش‌های کرد اند که با پوشش لباس کردی در حال اجرای نقشه شیطانی خود می‌باشند. آخرین ترفند اینک رژیم قصد دارد با مستقر کردن معمم‌های تقلبی و فرستادن آنها در خیابان‌های خلوت بصورت انفرادی، و البته کمین کردن نیروهای سرکوبگر در جاهای مخصوصی از این خیابان‌ها و کوچه‌ها، بچه‌های عمامه پران را به دام بیاندازد باید به هوش بود تا این ترفند به مانند دیگر ترفند های رژیم نابهنگام اسلامی، خنثی شده و ره به جایی نبرد. ایدون باد!

سه شنبه ۲۴ آبان ۱۴۰۱ برابر با ۱۵ نوامبر ۲۰۲۲